

بر وقوع پیوسته است و داستانهای گوناگونی در این مورد در تواتر بیخ منبر اسلام نقل شده است از جمله جریان زیر در شریع طلاق طلع در ذیل آیة شریفه: **وَإِن طَلَعْتُمْ أَنْ لَابِئِمَا حُدُودَ اللَّهِ الْخَبْرَ** در کتب تفسیر از این عیاس نقل شده است که :

روزی جمیله دختر عبدالله بن ابی بربشان حال خدمت پیامبر گرامی اسلام رسیده عرض داشت ای رسول خدا من نمیتوانم حتی برای لحظهای باشوهرم ثابت بن قیس زندگی زناشویی ادامه دهم سپس گفت: من از اخلاق و رفتار و دیانت و کیفیت معاشرت او گلغهای ندارم ولی نمیتوانم با او بسر برم و از این نرس دارم که میباد در اثر ادامه زندگی زناشویی بدوزان کفر برگردم! بعد اضافه کرد ای پیامبر گرامی این حقیقتی است که باشما آری بازگو می کنم : روزی دامن خیمه را با ازدم و شوهرم را با گروهی از مردان دیدم که من می آیند در حالی که از همه زشت تر

و کونا تر و سیاه تر بود و آنچنان از او متنفر شدم و در نظرم، حقیر جلوه کرد که دیگر نمیتوانم با او زندگی کنم. پیامبر جمیله را التذداد و لکن مؤثر نیفتاد بلافاصله شوهرش ثابت را فراخواند و جریان را با وی در میان گذارد و فرمود که چه ثابت بوی خلافه مند است و لکن با آنرا جزاردن چه می توان کرد ؟

چنانکه مشاهده می کنید اسلام با جعل قانون و طلع گامی بس بزرگت برای نجات زن در برخی از موارد استثنائی برداشته است حتی بعضی از تفههای برجسته مطابق برخی از روایات و جریانات تاریخی معتبر و آورده از پیشوایان دینی ، معتقدند که اگر کراهت و انزجار زنی بحدنهایی خود برسد که با آن بیم زبر با گذاردن حقوق شوهر برود و یا در معرض ارتکاب سایر محرمات باشد در چنین حالی بر مرد واجب است که به تقاضای مشارکت خود در مقابل بخشش مهر و غیر آن پاسخ مثبت داده یا نراضی باشد و او را طلاق طلع دهد.

## گفتگوی يك زو حانی با مستشار فرانسوی

در زمان نفوذ کمونیسم در فرانسه در الجزایر ، نماینده عالی مقام فرانسه در سوریه به شیخ عبدالحمید جزائری گفت:

یا دست از این افکار و تلقیبات خود که به شاگردان می دهی بردار یا صیبا می فرستم و در ب مسجیدی را که این افکار مسوم را برضما در آنجا بخش می کنی می بندند!

شیخ جزائری در پاسخ گفت ا

سپوا شما این کار را نمی توانید انجام دهید :

مستشار فرانسوی با خشم و غضب اظهار کرد: چطور نمی توانم؟

شیخ : ز پاسخ گفت تنها محل من مسجد نیست بلکه اگر در عروسی هم باشم به اهل مجلس تعلیم بدهم ، و اگر در مجلس ترحیم باشم به عزاداران موعظه می کنم ، اگر در قطار بنشینم به مسافرین یاد میدهم ، اگر به زندان وارد شوم زندانیها را ارشاد می کنم و اگر مرا بقتل برسانند مرگ من احساسات هموطنان مسلمانان را تحریک می کند پس بهتر آنست که نادین و فرهنگ مردم کار نداشته باشی ا

(مجله الوعی الاسلامی شماره ۱۲۵ ص ۷۰)